

## نقش قرآن در زندگی فردی

حجت الاسلام والمسلمین علی رضا انصاری\*

### اشاره

قرآن، کتاب هدایت و قانون اساسی همه انسان‌ها بوده و آموزه‌های آن فرازمانی و فرامنطقه‌ای است. قرآن همان طور که توانست در صدر اسلام به بایدها و نبایدهای انسان‌ها پاسخ دهد، امروزه نیز پویا و بالنده، پاسخ‌گوی نیازهای انسان‌ها است. حال، این پرسش پیش رو است که: قرآن در عصر حاضر چه نقشی در فرایند زندگی بشر ایفا می‌کند؟ در پاسخ باید گفت: قرآن در حوزه‌های بسیاری مانند: فردی، خانوادگی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، نقش‌آفرینی می‌نماید؛ اما کنکاش در همه این عرصه‌ها، به فرصت دیگر نیاز دارد. این نوشتار می‌کوشد، نقش قرآن در زندگی فردی انسان را سامان دهد.

## ۱. رشد عقل

از منظر دین، عقل، جایگاه بلندی دارد؛ تا آن‌جا که از آن به عنوان پیامبر باطنی یاد شده است.<sup>۱</sup> این امر، بیانگر اثرگذاری عقل در شناخت خدا، هدایت‌سازی و تأمین سعادت انسان می‌باشد؛ اما عقل، تنها برای این منظور کافی نیست؛ زیرا خرد از شناخت برخی مسائل عاجز بوده و به راهنمایی قرآن نیازمند است. از این رو است که همواره نیاز به کلام و حیانی مطرح می‌باشد. استاد آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد:

«... مثلاً عقل انسان، بعضی از صفات جزئیة خداوند، مانند سمع و بصر و کلام الهی و همچنین حقیقت معاد و چگونگی آن و احکام الهی را کاملاً درک نمی‌کند و باید آن‌ها را از نقل استفاده کند...»<sup>۲</sup>

قرآن نیز در عرصه‌های مختلف، زمینه‌های حکم عقل را فراهم کرده و در شناخت جهان، شناخت مبدأ و معاد، به کمک عقل می‌آید.<sup>۳</sup> به همین جهت است که میان بعثت پیامبر ﷺ و عقل‌افزایی، ارتباط وجود دارد؛ یعنی پیامبر ﷺ آمده است تا خرد فردی و جمعی را افزایش دهد. امام علی علیه السلام فرمود: «خداوند رسولانش را فرستاد... تا گنجینه‌های عقل را آشکار سازند...»<sup>۴</sup>

در آیات متعدد، انسان‌ها به خردورزی سفارش شده‌اند. این امر، با واژه‌گانی مانند: «یتفكرون»<sup>۵</sup>، «یعقلون»<sup>۶</sup>، «یتدبرون»<sup>۷</sup>، «یبصرون»<sup>۸</sup>، گزارش گردیده است؛ برای مثال، در یکی از آیات می‌خوانیم: «مسئلاً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمدورفت شب و روز، نشانه‌های [روشنی] برای صاحبان خرد است؛ آن‌ها که خدا را در حال ایستادن و

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۸.

۲. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم: نشر مرکز اسرا، ۱۳۸۷ش، ص ۳۷.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ج ۷، ص ۳۳.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۶.

۵. آل عمران، آیه ۱۹۰.

۶. اعراف، آیه ۱۷۵.

۷. نساء، آیه ۸۲.

۸. اعراف، آیه ۱۶.

نشستن و آن‌گاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند.<sup>۱</sup>

نتیجه تدبیر و تعقل، بصیرت یا رشد عقل است که قرآن بدان فراخوانده است.

## ۲. خوش‌بینی نسبت به مبدأ، معاد و نظام هستی

معنادار کردن زندگی، از مهم‌ترین عوامل روان‌درمانی است که به نام معنادرمانی مطرح می‌شود. اهمیت این مطلب، از آن‌جا روشن می‌شود که زندگی ما به حیات جسمانی منحصر نیست؛ بلکه انسان، موجودی دو بُعدی است و از حیات معنوی نیز برخوردار است. از این رو، برای این‌که از حیات مادی و معنوی بهره‌مند شویم، باید از پوچی دور بمانیم و این، جز از طریق پاسخ به پرسش‌های اساسی درباره فلسفه زیستن، یعنی «از کجا آمده‌ام، در کجا هستم و به کجا می‌روم» میسر نیست؛ همان پرسش‌هایی که برخی پاسخ آن‌ها را نیافته‌اند و به بدبینی و پوچی رسیده‌اند؛ اما قرآن به این پرسش‌ها پاسخی نیکو می‌دهد؛ از نگاه قرآن، هستی، آفریده خداوند و هدف‌مند است. این رویکرد، دید انسان را نسبت به نظام هستی تغییر می‌دهد.<sup>۲</sup> در فرهنگ قرآنی، آسمان و زمین و آنچه در میان آن‌ها است، بیهوده آفریده نشده<sup>۳</sup> و جن و انس، جز برای عبادت حق تعالی پدید نیامده‌اند؛ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ من انسان‌ها و جن را نیافریدم؛ مگر برای این‌که عبادتم کنند». در آیه دیگر نیز آمده است: «مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ؛ و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق نیافریده‌ایم.»

۱. آل عمران، آیات ۱۹۰-۱۹۱: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ رک: ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۸۴.

۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم: انتشارات صدرا، ج ۲، ص ۴۵.

۳. ص، آیه ۲۷: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا»؛ رک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش، ج ۲۳، ص ۲۴۶.

۴. ذاریات، آیه ۵۶.

۵. حجر، آیه ۸۵.

فخر رازی در تفسیر این آیه می‌گوید: «حکمت الهی اقتضا می‌کند که قیامت وجود داشته باشد.»<sup>۱</sup>

نتیجه هدف‌مندی جهان، قیامت‌باوری، خوش‌بینی نسبت به جهان، امید، نشاط و تلاش در زندگی است. با توجه به آیاتی که اشاره شد و نیز آیات دیگر<sup>۲</sup>، خداوند به انسان امید می‌دهد که جهان برتر، پیش روی شما است و حال این‌که اگر انسان مادی فکر کند، نتیجه آن، ناامیدی است. از این رو، بسیاری افراد، به‌ویژه جوانان مادی‌گرا، نسبت به جهان خوش‌بین نیستند و برای زندگی بهتر تلاش نمی‌کنند؛ اما انسان با ایمان، اهل امید و کوشش است؛ چون باور دارد که خدای متعال، خوبان و بدان را بدون جزا نمی‌گذارد.<sup>۳</sup>

### ۳. آرامش روحی و روانی

از رهاورد‌های ناخوشایند زندگی ماشینی، اضطراب و نگرانی روحی و روانی است. بشر متمدن امروز، گرچه به رفاه مادی و لذت‌های جسمی رسیده، اما دچار بحران‌ها و بیماری‌های روحی و روانی شده و با بن‌بست‌های فکری فزاینده‌ای دست به‌گریبان است. تنها راه‌هایی از این فشارها، ایمان به خدا است؛ چه این‌که به گواهی قرآن، تنها یاد خدا، دعا و راز و نیاز با او است که دل‌های بیمار را درمان نموده و روح متلاطم بشر را آرامش می‌بخشد؛ چنان‌که در آیه ۲۸ سوره رعد می‌خوانیم: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ اما نتیجه اعراض از خدا، حیرانی و اضطراب و دچار شدن به سختی‌ها است. در آیه ۱۲۴ سوره طه آمده است: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»؛ و هر کس از یاد من روی‌گردان شود، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می‌کنیم.»

۱. فخرالدین رازی، ابو‌عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۳۸۷: «و إذا

ثبتت القدرة والحكمة بهذه الدلالة، صح القول بإمكان الحشر و وقوعه.»

۲. تغابن، آیه ۱۹: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ؛ آیا چنین پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریدیم

و به سوی ما بازگشت نمی‌کنید؟»

۳. ص، آیه ۲۸؛ انفطار، آیه ۱۴.

دکتر الکسیس کارل، دانشمند فرانسوی می‌گوید:

«در سکوت این پناهگاه‌ها (مکان‌های عبادت و نیایش)، انسان می‌تواند در حالی که اندیشه به سوی خدا در پرواز است، عضلات و اعضایش را آرامش بخشد، روحش را سبکبار کند و نیروی سنجش و تشخیص خویش را جلا دهد و قدرت تحمل زندگی دشواری که تمدن جدید بر دوش او بار کرده و به زانویش درآورده است، به دست آورد. اجتماعاتی که احتیاج به نیایش را در خود کشته‌اند، به طور معمول، از فساد و زوال مصون نخواهند بود.»<sup>۱</sup>

ویلیام جیمز، روان‌کاو مشهور آمریکایی نیز می‌نویسد:

«هزاران هزار مؤمن به خدا به خوبی حس کرده‌اند که خداوند همیشه با آنها است. شب و روز، در خانه و بیرون از آن. هرگاه این طور خدا را با خود بدانیم، چشمه فیاض لایزالی از آرامش و صفای قلب در خود ایجاد کرده‌ایم، که هیچ سیلاب غمی و یا هجوم وحشت و بیمی، در آن اثر ندارد.»<sup>۲</sup>

#### ۴. رهایی از تنهایی

یکی از دردهایی که پیوسته انسان از آن رنج می‌برد، احساس تنهایی است. ما سه نوع تنهایی داریم: تنهایی فیزیکی، مانند تنهایی در منزل یا محل کار. این تنهایی، قابل درمان است و انسان می‌تواند با تغییر وضعیت فیزیکی، این تنهایی را برطرف کند. تنهایی دیگر، تنهایی اخلاقی است؛ یعنی برخی به جهت خلُق و خوی خاص خود، گرچه ظاهراً تنها نیستند و در خانواده یا اجتماع به سر می‌برند، اما در واقع تنها هستند؛ برای مثال، افراد سال‌خورده، چنین تنهایی را بیشتر احساس می‌کنند. از تنهایی نوع سوم، به تنهایی وجودی تعبیر می‌شود؛ انسان به لحاظ هستی‌شناختی، احساس می‌کند که باید موجودی فراتر از همه موجودات او را همراهی کند. از این رو، اگر تنهایی فیزیکی و اخلاقی هم نداشته باشیم، باز احساس تنهایی می‌کنیم و غیر از خدا هیچ کسی نمی‌تواند این تنهایی را پاسخ دهد.

۱. آلکسیس کارل، نیایش، ترجمه: محمدتقی شریعتی، انتشارات تشیع، ص ۵۰ و ۵۷.

۲. ویلیام جیمز، دین و روان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ش، ص ۱۶۶-۱۶۷.

یک زمان تنها بمانی تو زخلق در غم و اندیشه مانی تا به حلق  
 رآن در این زمینه می‌گوید: برای رهایی از تنهایی، باید با خدا ارتباط برقرار کنید؛ البته  
 شیوه ارتباط را نیز یاد می‌دهد: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا  
 دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»<sup>۱</sup> و هرگاه بندگان من از تو درباره من  
 بپرسند، [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند، اجابت  
 می‌کنم. پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند. باشد که راه یابند.  
 از سوی دیگر، قرآن به انسان‌ها می‌آموزد: انسان خداپاور، احساس تنهای نمی‌کند؛ زیرا  
 عالم، محضر خداوند است و خدا همیشه همراه او است و از رگ گردن به او نزدیک‌تر  
 است: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»<sup>۲</sup> ما از شاهرگ [او]، به او نزدیک‌تریم. و یا  
 فرموده: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»<sup>۳</sup> و هر کجا باشید، او با شما است.

در روایات نیز تأکید شده است که با قرآن انس پیدا نمایید؛ زیرا قرآن، کلام و ذکر  
 خداوند است و این امر، مهم‌ترین عامل وحشت‌زدایی است. امام علی علیه السلام فرمود: «هر  
 کس با قرآن انس گیرد، از جدایی دوستان، وحشتی نخواهد داشت.»<sup>۴</sup> امام سجاده علیه السلام نیز  
 فرمود: «اگر هیچ موجودی روی زمین زنده نماند و من تنها باشم، تا هنگامی که قرآن با  
 من است، وحشتی نخواهم داشت.»<sup>۵</sup> امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «به دنبال مونس‌ی  
 بودم که در پناه آن، آرامش پیدا کنم؛ آن را در قرائت قرآن یافتیم.»<sup>۶</sup>

بود معجز، رسول هاشمی را	که در شأنش ثناخوان است قرآن
طیب دردهای بی دوا اوست	به جان خسته درمان است قرآن
تسل‌بخش دل‌های غمین است	چراغ شام حرمان است قرآن

۱. بقره، آیه ۱۸۶.

۲. ق، آیه ۱۶.

۳. حدید، آیه ۴.

۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۳۸.

۵. محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، محقق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۳.

۶. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۷۴.

خلل کی ره برد بر ساحت او؟      بنایی سخت بنیان است قرآن  
در آن سامان که سامان نیست کس را      پناه هر مسلمان است قرآن

## ۵. افزایش ایمان

قرآن، تنها به ایمان به خدا و قیامت اکتفا نمی‌کند؛ بلکه به ایمان‌افزایی نیز سفارش می‌نماید. از این رو، قرآن در آیات متعدد، انسان‌ها را به قیامت‌باوری ترغیب می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...»<sup>۱</sup> آنان که به غیب ایمان می‌آورند. قرآن در این آیه، یکی از اوصاف پارسایان را ایمان به غیب می‌داند و این، نوعی فرهنگ‌سازی برای افزایش ایمان به آخرت است. در آیه دیگر آمده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»<sup>۲</sup> مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آن‌ها خوانده می‌شود، ایمان‌شان فزون‌تر می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند. در این آیه نیز خداوند یادآور می‌شود که مؤمنان در هنگام تلاوت آیات، ایمان‌شان افزایش می‌یابد.

نتیجه ایمان‌افزایی، افزایش خوش‌بینی نسبت به جهان و خالق آن است؛ اما نتیجه بی‌ایمانی و کاستی آن، ناراحتی و بدبینی نسبت به خداوند و زندگی است. در این جا نظر شما را به مطالبی از استاد شهید مطهری جلب می‌نمایم:

«... برای خودکشی، عوامل متعددی ذکر شده است؛ ولی علت العلل، یک چیز است: بی‌ایمانی. ویلیام جیمز درباره یک نویسنده مادی به نام «مارک اورل» و هم درباره نیچه و شوپنهاور می‌گوید: «کلمات «مارک اورل» تلخی ریشه‌دار غم و اندوه را نشان می‌دهد. ناله‌های آن، مانند ناله خوکی است که زیر تیغ سر می‌دهد. وضع روحی «نیچه» و «شوپنهاور»، عبوسی‌ها و کج خلقی‌ها در آن‌ها دیده می‌شود که آمیخته با دندان‌غروچه‌های تلخی می‌باشد. ناله‌های مرارت‌آمیز این دو نویسنده آلمانی، آدمی را به

۱. بقره، آیه ۲.

۲. انفال، آیه ۲.

یاد جیرجیرهای موشی می‌اندازد که مشغول جان دادن است. در کلمات این دو نویسنده، آن معنا و مفهوم تصفیه‌ای که مذهب به سختی‌ها و مشقت‌های زندگی می‌دهد، دیده نمی‌شود.»

نیچه که ویلیام جیمز از او به عنوان یک بدبین نام می‌برد، فلسفه معروفی مبنی بر «اصالت نیرومندی» دارد؛ او می‌گوید: «باید رأفت و رقت قلب را دور انداخت. رأفت، از عجز است. نیچه با چنین افکار و اندیشه‌هایی، طبعاً جهان را بر خویشتن به صورت یک زندان ساخته بود. در اواخر عمر، ثمره این اندیشه‌ها عایدش شد. در نامه‌ای که اواخر عمر به خواهرش نوشته، می‌نویسد: «هرچه روزگار بر من می‌گذرد، زندگانی بر من گران‌تر می‌شود. سال‌هایی که از بیماری در نهایت افسردگی و رنجوری بودم، هرگز مانند حالت کنونی، از غم، پُر، و از امید، تهی نبودم. چه شده است؟ خدایا! من امروز چه تنها هستم! یک تن نیست که بتوانم با او بخندم و یک فنجان چای بنوشم. هیچ کس نیست که نوازش دوستانه بر من روا بدارد.»<sup>۱</sup>

مقایسه انسان‌هایی مانند مارک اورل و نیچه، با انسان‌های خداپاور و قرآن‌مدار، مانند امام خمینی رحمه الله نشان می‌دهد که ایمان و عدم ایمان به خدا و قیامت و یا ضعف آن، چه اندازه در نگرش انسان‌ها تأثیرگذار است. امام رحله الله در وصیت‌نامه الهی و سیاسی خویش می‌فرماید: «... با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا، از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم و به دعای خیر شما، احتیاج مبرم دارم...»<sup>۲</sup>

آرامش امام رحله الله، منشأ قرآنی دارد: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي»<sup>۳</sup> ای نفس مطمئن و آرام! باز گرد به سوی پروردگارت که هم تو از او خشنود هستی، و هم او از تو، و داخل در زمره بندگان خاص من شو، و در بهشت گام نه.»

۱. مطهری، مجموعه آثار، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش، ص ۴۵۰.

۳. فجر، آیه ۲۸.



## ۶. شناخت حق و باطل

از جمله اساسی‌ترین نیازهای انسان، شناخت حق و باطل است و هر انسانی، خواه ناخواه، پیوسته با این مسأله روبه‌رو می‌شود. جامعیت قرآن اقتضا می‌نماید که انسان‌ها را در شناخت حق راهنمایی کند؛ زیرا قرآن، فرقان و بیان‌کننده همه حقایق است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ»<sup>۱</sup> و یا می‌فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»<sup>۲</sup> مراد از فرقان در این آیه، کلام خداوند است که برترین وسیله شناخت حق از باطل است؛ چنان‌که در آیه ۱۷ سوره رعد تمثیلی برای معرفی حق و باطل بیان شده است؛ آن‌جا که می‌فرماید:

«أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثَالَ»<sup>۳</sup> خداوند از آسمان آبی فرستاد و از هر دره و رودخانه‌ای، به اندازه آن‌ها سیلابی جاری ساخت. سپس، سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه [در کوره‌ها] برای به دست آوردن زینت‌آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید. خداوند حق و باطل را چنین مثل می‌زند؛ اما کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند؛ ولی آنچه به مردم سود می‌رساند، در زمین می‌ماند. خداوند این چنین مثال می‌زند.

خداوند در این آیه شریفه، حق را به آب یا فلزات سودمند برای مردم، و باطل را به کفی که روی آن دو قرار می‌گیرد، تشبیه کرده است و نشانه‌ها و معیارهای حق و باطل را در قالب این مثال بیان نموده است. این ملاک‌ها عبارت‌اند از:

۱. نحل، آیه ۸۹ (و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارت‌گری است بر

تو نازل کردیم.)

۲. فرقان، آیه ۱ (بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود

تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد).

۳. رعد، آیه ۱۷.

۱. باطل، همواره پُر سر و صدا است؛ ولی تو خالی و بی محتوا است؛ مثل کف که حباب‌های تو خالی است؛ اما حق، متواضع، کم سر و صدا، پُر محتوا و سنگین است.<sup>۱</sup>
  ۲. حق، همیشه سودمند است؛ ولی باطل بی فایده می‌باشد.<sup>۲</sup>
  ۳. حق، هر چه دارد، از خود آن است؛ اما باطل همیشه از آبروی حق بهره می‌برد.<sup>۳</sup>
  ۴. اگرچه «لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ وَ لِلْبَاطِلِ دَوْلَةٌ»؛<sup>۴</sup> حق و باطل هر یک دورانی دارند، اما دوران حق، همیشگی و دوران باطل، زودگذر است. باطل، مانند کف روی آب، بعد از مدتی از بین می‌رود؛ ولی آب زلال و مفید برای مردم می‌ماند.
  ۵. باطل همواره از هرج و مرجی استفاده می‌کند تا خود را نشان دهد؛ ولی هنگامی که نظم برقرار شود، هویت آن آشکار می‌گردد؛ مثل سیلاب که وقتی در جوش و خروش است، آب با کف و اجسام دیگر مخلوط است؛ اما وقتی وارد دشت می‌شود، کف‌ها زایل می‌شوند و آب زلال نمایان می‌گردد.<sup>۵</sup>
- امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند راه حق را برای شما آشکار ساخته و جاده‌های آن را روشن نگاه داشته است.»<sup>۶</sup> اما گاهی حق و باطل، به گونه‌ای به هم آمیخته می‌شوند که شناخت آن، دشوار می‌گردد. دلیلش آن است که ما به جای این که شخصیت‌ها را به واسطه حق بشناسیم، حق را با اشخاص می‌شناسیم. بی دلیل نیست که در تاریخ می‌خوانیم: بعضی اصحاب امام علی علیه السلام، مانند حارث بن حوط لثی و حارث همدانی، در جنگ جمل دچار تردید می‌شوند و این سؤال را مطرح می‌کنند: آیا ممکن است طلحه و زبیر بر باطل باشند؟ علی علیه السلام در پاسخ آنان جمله‌ای می‌فرماید: حق و باطل را

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۶ش، ج ۱۰، ص ۶۵-۱۶۵.

۲. سبحانی، منشور جاوید، قم: توحید، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش، ج ۳، ص ۶۵؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

۳. همان.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری و آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۴۷.

۵. سبحانی، منشور جاوید، پیشین، ج ۳، ص ۶۵.

۶. صبحی صالح، نهج البلاغه، قم: مؤسسه دار الهجرة، خطبه ۱۵۷.

با مردم نمی‌توان شناخت؛ باید حق را بشناسی، تا اهل حق شناخته شوند و باطل را بشناسی، تا اهل باطل را بشناسی.<sup>۱</sup>

از پیامدهای مهم عدم شناخت حق، آن است که انسان‌ها در هنگام بروز فتنه‌ها، نمی‌توانند حق و باطل را تشخیص دهند. از این رو، قرآن انسان را به بصیرت و بلوغ فکری دعوت می‌نماید تا در شناخت فتنه‌ها دچار مشکل نگردد: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ...»<sup>۲</sup> رسول اعظم ﷺ نیز سفارش نمود که در هنگام بروز فتنه‌ها و تشخیص سره از ناسره، به قرآن مراجعه نماید: «التَّبَسُّتُ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»<sup>۳</sup> هنگامی که فتنه‌ها، همچون پاره‌های شب تاریک، شما را در خود پیچید، بر شماست که به قرآن تمسک جوید.<sup>۴</sup>

## ۷. معرفی دین برتر

از منظر قرآن، انسان در انتخاب دین آزاد است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...»<sup>۵</sup>؛ اما از آن‌جا که قرآن، راهنمای انسان‌ها است، به آنان می‌آموزد که در انتخاب دین دقت نمایند؛ زیرا دین برتر، نقش اساسی در تأمین سعادت انسان دارد. قرآن کریم، اسلام را به عنوان برترین دین معرفی نموده و یادآور می‌شود که تنها دین مورد قبول، اسلام است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>۶</sup> و مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ...<sup>۷</sup> همانا دین در نزد خداوند، اسلام است. کسی که غیر از اسلام، دینی را بجوید، پس از او پذیرفته نمی‌شود...»<sup>۸</sup>

این گونه آیات، سبب شد که برخی به دین اسلام گرایش پیدا نمایند؛ از جمله آنان، ابوذر غفاری است. وی پس از بعثت پیامبر اکرم ﷺ، سرگرم مطالعه در خصوص احوال پیامبر شد و مرتب آیات قرآن را گوش می‌کرد. تأثیر آیات قرآن کریم، به گونه‌ای بود که در

۱. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۴.

۲. رعد، آیه ۱۶.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۵۹۹.

۴. بقره، آیه ۲۵۶.

۵. آل عمران، آیه ۱۹.

۶. آل عمران، آیه ۸۵.

جلسه دوم، با اشتیاق مسلمان شد و با رسول خدا پیمان بست تا زنده است، در راه خدا از هیچ ملامتی پروا نداشته باشد و سخن حق را بگوید؛ هرچند در ذایقه‌ها تلخ آید.<sup>۱</sup>

## ۸. صبرافزایی

انسان در طول زندگی خویش، با ناگواری‌هایی چند روبه‌رو می‌شود که تحمل آن‌ها برای همگان میسر نیست و گاه این مشکلات، آثار روانی قابل توجهی در وجود انسان به جا می‌گذارد. انس با قرآن، صبر در برابر مصیبت‌های سخت را به انسان هدیه می‌کند؛ به عبارت دیگر، قرآن در دو قالب این نقش را ایفا می‌نماید: ۱. مردم را به صبر در برابر مصایب دعوت نموده و جایگاه خاصی برای صابران تعریف می‌کند؛ ۲. مردم را به تلاوت قرآن سفارش می‌کند. حکایت ذیل، شاهد این ادعا است.

ام عقیل، زنی بادیه‌نشین بود و پسری به نام «عقیل» داشت که شتران‌شان را به چرا می‌برد. روزی دو مهمان به خانه‌اش وارد شدند. خبر آوردند که: در اثر ازدحام شتران، پسرش به چاه افتاده و جان سپرده است. ام عقیل بدون آن‌که موضوع را به اطلاع مهمانان برساند، به پیام‌آورگفت: این گوسفند را ذبح کن و طعمی برای مهمانان و خویشان درست نما.

پس از خوردن غذا، مهمانان از ماجرای کشته شدن پسرش با خبر شدند و همه از صبر و روحیه عالی این زن تعجب کردند! ام عقیل به مهمانان گفت: آیا در میان شما کسی هست که از کتاب خدا چیزی بداند و با تلاوت آن مرا تسلی خاطر دهد؟ یکی از حاضران گفت: بله. آن بانو گفت: از آیات قرآن برایم بخوان تا در مصیبت پسر، دلم آرام گیرد. آن شخص، این آیات را تلاوت نمود: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ \* الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ \* أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»<sup>۲</sup> [ای محمد!] بشارت ده صابران را؛ آنان که وقتی دچار مصیبت و بلا می‌شوند، می‌گویند: ما از خدا و به فرمان او آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد. این‌ها مشمول دعا و رحمت پروردگارشان هستند و ایشان هدایت شدگان‌اند.»

۱. مطهری، مجموعه آثار، پیشین، ج ۱۸، ص ۴۳۰.

۲. بقره، آیه ۱۵۵-۱۵۷.

این زن مصیبت‌دیده با شنیدن این آیات، دست به دعا برداشت و عرض کرد: خدایا! من به آنچه در این آیه فرموده‌ای و مسئولیت داشتم، از شکیبایی و صبر به قضا عمل کردم. اینک تو هم آنچه را که به صابران وعده داده‌ای، عمل کن. بعد از آن گفت: اگر کسی باقی می‌ماند، او حضرت محمد ﷺ بود که برای امتش باقی می‌ماند.<sup>۱</sup>

## ۹. تقواگرایی

قرآن، کتاب جامعی است که در عرصه‌های مختلف پاسخ‌گوی نیاز انسان است؛ اما پاسخ‌گویی و نقش‌آفرینی آن در حوزه اخلاق و تربیت، بسیار پُر رنگ است. از این رو، قرآن یکی از اهداف بعثت رسول اعظم ﷺ را تعلیم و تربیت بیان نموده است: «او، کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را پاکیزه کند و کتاب و حکمت بیاموزد.»<sup>۲</sup>

همچنین از قرآن به عنوان کتاب هدایت و تقوا یاد شده است. این امر، اهمیت خودسازی و تقواگرایی را اثبات می‌نماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ... ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ...»<sup>۳</sup> این کتاب آسمانی، شک و تردیدی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزکاران است.<sup>۴</sup> بر این اساس، انسان باید با استفاده از تعالیم قرآن، هدایت‌پذیر و تقوامدار باشد.

اینک نوشتار حاضر را با جمله‌هایی از امام سجاده علیه السلام به پایان می‌بریم: «بار خدایا! ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان قرآن چنگ می‌زنند و در فهم متشابهاتش به پناهگاه محکم و استوارش پناه می‌برند و در سایه آن، آرام می‌گیرند و به روشنی بامدادش راه می‌یابند و به درخشیدن روشنایی آن اقتدا می‌کنند و از چراغ آن، چراغ می‌افروزند و هدایت و رستگاری را در غیر آن نمی‌طلبند.»<sup>۵</sup>

۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسکن الفواد عند فقد الأحبّة والأولاد، قم: بصیرتی، چاپ اول، بی‌تا، ص ۷۹.

۲. جمعه، آیه ۲: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ: يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ، وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...»؛

رک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، پیشین، ج ۲۴، ص ۱۱۱.

۳. اسراء، آیه ۹.

۴. بقره، آیه ۲.

۵. زین‌العابدین، علی بن حسین علیه السلام، الصحیفة السجادیة، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۶ش، دعای ۴۲.